

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۴۳۸۲



# دانشگاه شهید بهشتی

## دانشکده حقوق

پایان نامه تحصیلی

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع: تصویب معاهدات در حقوق بین الملل و حقوق ایران

استاد راهنما: دکتر سید علی هنجنی

استاد مشاور: دکتر هدایت اله فلسفی

پژوهشگر: بهرام جاودان

سال تحصیلی: ۷۶-۷۷

الف

۲۴۳۸۲

۱۲۰۵/۲

## قدردانی

### من له يشكر المخلوق له يشكر الخالق

بدین وسیله مراتب امتنان و سپاس قلبی خود را به حضور اساتید ارجمند جناب آقای دکتر سید علی هنجنی (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر هدایت اله فلسفی (استاد مشاور) که با صداقت و بزرگواری مرا در انجام این تحقیق یاری نمودند تقدیم می دارم. همچنین از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر ابراهیم بیگ زاده و جناب آقای دکتر محمد هاشمی و جناب آقای دکتر سید حسین عنایت که اینجانب را در انجام این تحقیق ارشاد نمودند سپاسگذارم.

نهایتاً از دوستان ارجمندی که در امر تایپ و ویراستاری کمال مساعدت را مبذول داشتند تشکر می نمایم.

بهرام جاودان

## فهرست مطالب

## صفحه

مقدمه :	۱
قسمت اول- (بررسی کلی تصویب معاهدات	۲۴
فصل اول- (اعلام التزام به معاهدات	۲۶
بخش اول- انعقاد معاهدات	۲۸
بند اول - ( مفهوم انعقاد	۳۰
بند دوم - ( انعقاد فرآیندی پیچیده	۳۲
بخش دوم- ( وجوه مختلف لازم الاجرائی معاهدات	۳۶
بند اول- اعلام التزام در قبال معاهدات دو جانبه	۳۷
بند دوم - اعلام التزام در قبال معاهدات چند جانبه	۳۹
بخش سوم - ( تصویب معاهدات	۴۳
بند اول - ارادی بودن تصویب معاهده	۴۴
بند دوم- ( حق شرط در تصویب معاهده	۵۴
بند سوم - ( مقام صلاحیتدار تصویب معاهده	۵۷
بخش چهارم - ( ویژگی و هدف از آئین تصویب	۶۰
فصل دوم- ( ضرورت تصویب	۶۸
بخش اول- رویه کشورها	۷۳
بخش دوم- آراء قضایی	۸۴
بخش سوم- نظرات نویسندگان	۹۲
بند اول- نظریه ضرورت تصویب	۹۳
بند دوم- مخالفین ضرورت تصویب	۹۹
بند سوم- موضع عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص ضرورت تصویب	۱۰۶

- فصل سوم -) آئین تصویب ..... ۱۱۴
- بخش اول -) تصویب و ترتیبات مبتنی بر قانون اساسی ..... ۱۱۵
- بند اول - دکتترین ..... ۱۱۶
- بند دوم - رعایت مقررات داخلی مربوط به انعقاد معاهدات ..... ۱۲۱
- بخش دوم - تشریفات بین المللی مربوط به تصویب ..... ۱۳۵
- بند اول - مبادله اسناد تصویب ..... ۱۳۸
- بند دوم - تودیع اسناد تصویب ..... ۱۱۴

- فصل چهارم -) توافقات بین المللی خارج از شرط تصویب ..... ۱۴۴
- بخش اول - موافقت نامه های ساده یا اجرایی ..... ۱۴۵
- بند اول - ضابطه تشخیص ..... ۱۴۹
- بند دوم - اعتبار وصف الزامی ..... ۱۶۷
- بخش دوم -) الحاق - تائید و قبولی ..... ۱۷۴
- بند اول - الحاق ..... ۱۷۵
- بند دوم - قبولی و تائید ..... ۱۸۷

- بخش سوم -) فرآیندهای دیگر خارج از شرط تصویب ..... ۱۹۴
- بند اول - معاهدات رسمی خارج از شمول تصویب ..... ۱۹۶
- بند دوم -) عقد معاهدات بین المللی کار چشم اندازی برای آینده ..... ۱۹۹

- قسمت دوم -) تصویب معاهدات در حقوق ایران ..... ۲۰۳
- فصل اول -) تصویب معاهدات قبل از انقلاب ..... ۲۰۶
- بخش اول -) تصویب معاهدات قبل از مشروطیت ..... ۲۰۷
- بخش دوم -) تصویب معاهدات بعد از استقرار مشروطیت ..... ۲۱۱

- بند اول - صلاحیت مجلس شورای ملی سابق در تصویب معاهدات ..... ۲۱۴
- بند دوم - صلاحیت پادشاه در توشیح معاهدات ..... ۲۲۰
- فصل دوم - (تصویب معاهدات بعد از انقلاب ..... ۲۲۶
- بخش اول - (تصویب معاهدات در دوره اول انقلاب ..... ۲۲۸
- بخش دوم - (پدیداری مجلس جدید در دوره دوم انقلاب و صلاحیت آن در تصویب معاهدات ..... ۲۳۱
- بند اول - مفهوم تصویب معاهدات در حقوق ایران ..... ۲۳۵
- بند دوم - ضرورت تصویب معاهدات در مجلس شورای اسلامی ..... ۲۳۹
- بند سوم - آئین تصویب معاهدات در مجلس ..... ۲۶۳
- بند چهارم - حق شرط بر معاهدات و اصلاح آنها در هنگام تصویب ..... ۲۷۱
- بند پنجم - تأیید شورای نگهبان ..... ۲۷۶
- بخش سوم - (امضای نهایی معاهدات توسط رئیس جمهور ..... ۲۷۹
- بخش چهارم - (تشریفات بین المللی مربوط به تصویب معاهدات ..... ۲۸۹
- بند اول - مبادله یا تودیع اسناد تصویب ..... ۲۹۰
- بند دوم - ثبت معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل متحد ..... ۲۹۲
- بخش پنجم - (نقش مراجع دیگر در تصویب معاهدات ..... ۲۹۴
- بند اول - مراجعه به آراء عمومی جهت تصویب معاهدات ..... ۲۹۵
- بند دوم - مجمع تشخیص مصلحت نظام ..... ۲۹۸
- بند سوم - شورای عالی امنیت ملی ..... ۳۰۷
- فصل سوم - (اهمیت و ضرورت تصویب معاهدات در حقوق کنونی ایران ..... ۳۱۳
- بخش اول (معاهدات رسمی ..... ۳۱۴
- بند اول - وجه تسمیه معاهده رسمی در حقوق ایران ..... ۳۱۵
- بند دوم - در چه هنگام معاهدات احتیاج به تصویب دارند ؟ ..... ۳۱۸

۳۲۶.....	بخش دوم-) جایگاه موافقت نامه های ساده در حقوق ایران
۳۲۸.....	بند اول - اعتبار حقوقی موافقت نامه های ساده
	بند دوم - پوشش تکاملی موافقت نامه ساده و حدود اعمال انعقاد آن در حقوق
۳۳۴.....	ایران
	بند سوم- موافقت نامه ساده و توافقات بین المللی غیر الزامی میان ایران و کشورهای
۳۳۹.....	دیگر
۳۴۲.....	نتیجه گیری کلی
۳۴۹.....	اختصارات
۳۵۰.....	منابع
۳۵۸.....	ضمایم

## مقدمه :

اصولا" هر نظام حقوقی معرف واقعیات تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که این واقعیات همیشه در حال تغییر و تحول بوده است. از آنجا که در جوامع ملی این واقعیات در یک جهت مشترک حرکت داشته، باعث می شوند که آرمانهایی واقعا مشترک بر آن جوامع حکمفرما شود و اصولی اساسی (قانون اساسی) برای نیل به آن آرمانهای مشترک وضع، تا قوانین شکلی و ماهوی آن نظام بر اساس آن اصول ساخته و پرداخته گردد. لذا در اینصورت هر وضعیتی (واقعه حقوقی) در مقوله خاص قرار گرفته و هر مقوله ای نیز ضابطه ای کلی بر رفتار اجتماعی افراد آن جامعه می شود.

با این وجود، نظام حقوق بین الملل بدلیل ساختار ناهمگن تابعین اصلی آن، یعنی دولتها، تضاد منافع و اصل منطق قدرت که میان این قدرتها حاکم است، طبعاً نتوانسته بر اساس آرمانهای واقعا" مشترک و تمدنی واحد، انسجام و وحدت یابد. از این رو" در حقوق بین الملل، مقوله های عام به دلیل ساختار ناهمگن جامعه دولتها اندک هستند و وضعیتهای خاص و متفاوت بسیار زیاد<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup> - کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بین الملل در جهان نامتحد، ترجمه: دکتر مرتضی کلانتریان، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳...

<sup>۲</sup> - فلسفی، هدایت اله؛ "تحولات دادگستری بین المللی"، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۵، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، پائیز ۷۳ تا تابستان ۷۴، ص ۴۷. حقوق بین الملل عمومی (منابع) جزوه درسی فوق لیسانس، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۹



لذا در این صورت ممکن است هر دولتی با استفاده از مفهوم حاکمیت انحصاری، اصول قانون اساسی، آن وضعیت را خارج از چهارچوب مقررات بین المللی بداند و از اجرای حقوق بین الملل طفره رود. آنچه‌آنکه هر طور که منافع ملی اش اقتضاء کند معاهده ای ببندد و به دلخواه آن را فسخ نماید. اما حقوق بین الملل در قبال تمنیات و اعمال خودسرانه دولتها، ساکت ننشسته و با آنکه هنوز موجودیت خود را از اراده آنها می گیرد، سعی نموده آزادی اراده دولتها را محدود کرده و آیینی موزون و منسجم در انعقاد معاهدات وضع نماید. آنچه‌آنکه با ایجاد عهدنامه های وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات میان کشورها و ۱۹۸۶ میان سازمانهای بین المللی با همدیگر و با کشورها، این خواسته تحقق یافته است. و بعضاً<sup>۱</sup> با احاله جنبه هایی از انعقاد معاهدات به قانون اساسی کشورها و ایجاد محدودیتهای تازه در کنار محدودیتهای عرفی بین المللی بر دولتها توانسته است تا اندازه ای، بی نظمی میان کشورها را مهار نماید.<sup>۱</sup> حال، با توجه باینکه توانسته باشیم حدود منطقی آئین انعقاد معاهدات در نظام بین المللی و نظام داخلی، بالخصوص نظام حقوقی ایران را مشخص کرده و بتوانیم پویش تکاملی آئین انعقاد و فرایند تصویب را دریافت نموده باشیم، در این راستا با استفاده از منابع معتبر و با بررسی رویه کشورها، رویه قضائی و نظریات نویسندگان تلاش کافی بعمل آمده است. همچنانکه چنین تلاشهایی می تواند دست اندرکاران انعقاد معاهدات را در جهت رعایت هر چه بهتر مقررات حقوق بین الملل و قانون اساسی داخلی

---

<sup>۱</sup>-کاسسه، آنتونیو؛ همان منبع، ص ۲۱۶، ۲۱۵، ۴۰، ۳۴

رهنمون سازد و موجبات همکاری و همزیستی بین المللی را از طریق ایجاد رابطه و انعقاد معاهدات تسهیل نماید.

فرایند تصویب در شکل گیری انعقاد معاهدات نقش مهم و اساسی دارد. چنانکه دورنمای تاریخی آن از گذشته تا حال بیانگر چنین نقشی است. در زمان حکمرانی حکام مستبد و سلطنت های مطلقه در روابط میان کشورها، تنها رئیس کشور بعنوان نماینده مملکت خود و زبان گویای آن، صلاحیت مذاکره و گفتگو با کشورهای دیگر را داشت. بدین ترتیب در سطح بین المللی، کشورها همواره درصدد مذاکره و دریافت قول رکنی می شدند که در حقیقت برای اجرای تعهدات بر عهده گرفته شده توانا بود. این رکن بدون شک پادشاه بود که کل نیروهای معاهده سازی در اختیار او قرار می گرفت. روی این حساب، عموماً "روسای ممالک مختلف شخصاً" در مذاکرات بین المللی شرکت می کردند و اسنادی را که متضمن حقوق و تعهدات طرفین بود بنام خود و کشورهایشان امضاء می نمودند.

اما بتدریج با بسط مراودات بین المللی در تمامی زمینه های سیاسی، اقتصادی، و ... دیگر، پادشاهان قادر نبودند در مذاکره و انعقاد معاهدات شرکت جویند. لذا در اینصورت نمایندگانی را انتخاب نمودند تا از جانب آنان در فرایند مذاکره و شکل گیری معاهده شرکت نموده و بنام پادشاهان خود اسناد معاهده مربوطه را امضاء نمایند. بنابراین، حدود اختیارات نمایندگان در سندی دیپلماتیک بنام اختیارنامه (fullpowers) ، مشخص می شد. صدور این سند اقدامی اساساً "تشریفاتی قلمداد می شد که بدون آن، نمایندگان نمی توانستند معاهده ای بنام رؤسای ممالک خود منعقد نمایند. با این

حال، بموازات تغییراتی اساسی در جامعه بین المللی خصوصا " ظهور کشورهای مستقل و پدیداری مفاهیمی تازه در قلمرو حقوق بین الملل چون اصل تساوی حاکمیت ، اصل توازن قوا و ... شکل گیری انعقاد معاهدات ، نیز به لحاظ این تحولات ، دارای حالتی ایستا و یکنواخت نبوده است. بدین جهت بمنظور انعقاد معاهدات ، پادشاهان قرن هفدهم، اختیار نامه به نمایندگان تام الاختیار ( plenipotentiaries ) صادر می نمودند، تا به نام رئیس مملکت خود، در مذاکره و شکل گیری معاهدات شرکت نمایند. چنانکه گویی خود پادشاهان هستند که در این اقدامات بین المللی شرکت می نمایند. البته حقیقت این است که چون نمایندگان تام الاختیار معاهدات را بنام پادشاهان خود منعقد می نمودند و خود اختیار نامه نمایندگان متضمن قول تصویب بعدی بود، پادشاه یک کشور بعنوان عالی ترین مقام بین الملل آن، برای جریان انداختن تصویب تحت تعهد قرار می گرفت مگر هنگامیکه نماینده یا نمایندگان تام الاختیار از حدود اختیارات مربوط خود بموجب اختیارنامه، تجاوز می نمودند. از اینرو اگر نمایندگان تام الاختیار درست بموجب اختیار نامه خود اقدام می نمودند، فرض می شد که آنها اعلام کننده رضایت قطعی کشورشان به متعهد شدن در قبال معاهده مربوط بوده اند. روی این حساب ، تصویب مابعد رئیس کشور آنها، صرفاً بعنوان تائید اقدام خود آنها، و اینکه از حدود اختیارات مندرج در اختیار نامه تجاوز نکرده اند بحساب می آمد.

---

1-) Rosenne .shabtai: Treaties, conclusion and entry into force in encyclopedia of international law, volume7, north holland. 1984, p. 465. Macnair. Lord: the law of treaties, clarendonpress, London, 1986, p. 130

بنابراین فرض می شد که تصویب اثر عطف بگذشته دارد و لحظه واقعی انعقاد معاهده باید از همان لحظه امضاء آن و پایان مذاکره محسوب گردد و بعلاوه الزام آوری آن از هنگام امضاء باشد. اما در پایان قرن هجدهم این روند تغییر یافت و با اینکه اختیار نامه ها، اغلب متضمن وعده های سنتی از جمله تصویب بعدی بود، این وعده ها کم اهمیت بودند و در عمل رؤسای کشورها برای تصویب، یا امتناع از تصویب احساس آزادی بیشتری می کردند. و نهایتاً "تصویب بعنوان اعلام رضایت نهایی کشور توسط رئیس آن تلقی می شد و قبل از آن هیچ تعهد حقوقی میان کشورهای ممضی بوجود نمی آمد." بر خلاف سابق قید واژه ترکیبی "نمایندگان تام الاختیار" که در عهدنامه ها ذکر می شد، از لحاظ کیفیت حقوقی اهمیت نداشت و بعبارت دیگر، نمایندگان طرفین در واقع دارای اختیارات تام نبودند، و نمی توانستند بطور قطعی کشور خود را در قبال کشور دیگری متعهد گردانند. البته در همین قرن بود که با الهام از رشد فردگرایی و اصول دموکراسی و نظرات نویسندگان چون، ژان ژاک روسو، متسکیو در خصوص تفکیک وظایف حکومتی لازم آمد که با واگذاری کنترل قوه مجریه توسط قوه مقننه در انعقاد معاهدات، حاکمان یا مقامات اجرایی، بعضی از اختیارات خود را به قانونگذار تفویض نمایند. و این در زمانی اتفاق افتاد که اغلب معاهدات بصورت تشریفاتی منعقد می شدند.

---

1-2 -oppenheime .L.: , International law , a treatise, vol . 1, edited by Lauterpach.H, longman, seventh edition 1948, pp. 797, 813-4

روسو، شارل، حقوق بین الملل عمومی، جلد اول، ترجمه: دکتر محمد علی

حکمت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول مهر ماه ۱۳۴۷، ص ۴-۴۳

MacNair: op. cit. pp. 120 - 22

اما با این که تفکیک قوا، حداقل در قلمرو حقوق اساسی کشورهای پیشرفته وارد شد، حقوق بین الملل نسبت به این ساختار تعدیل نشد و شاید این به لحاظ مشکل تعیین قاعده ای یکنواخت حقوق بین الملل در خصوص تفکیک قوای مناسب برای همه کشورها باشد و جزئاً به خاطر وجود آن قاعده قدیمی که قدرت روابط بین المللی یک کشور به رئیس آن واگذار می شود<sup>۱</sup>.

نهایتاً در قرن بیستم، به طور گسترده ای اذعان شده که تحت حقوق بین الملل، برای این که معاهدات معتبر تلقی شود، تایید معاهده توسط قانونگذار یک کشور ممکن است لازم باشد، هر چند این نکته بوسیله عده ای مورد تردید قرار گرفته است. همچنانکه در طول قرن حاضر است که انعقاد معاهدات، به طور مستقیم میان نهادهای مختلف حکومتی یک رویه مشترک و مقبول گردیده و نتیجتاً باعث شده که عدم تمرکز نیروهای معاهده سازی در خیلی از کشورها بوجود آید و ارکان مختلف کشورها به عنوان صلاحیت دار اعلام رضایت کشورهایشان شناخته شوند. تا آن حد که این عدم تمرکز به طور مطلق در حقوق بین الملل شناخته شده است.<sup>۲</sup> از این رو تصویب در مفهوم حقوق داخلی (حقوق اساسی)، یعنی رعایت ترتیبات مندرج در قانون اساسی کشور یا کشورهای ذیربط که معمولاً بیانگر تأیید معاهده توسط قانونگذار کشور باشد، مطرح شد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> -Blix.H: "the Requirement of Ratification" B. y. I. L. 1953, p. 354

<sup>۲</sup> - ibid , p. 354

<sup>۳</sup>-Brownli . Ian: Principles of International Law ,clarendon press, oxford, fourth Edition, 1990,p. 607

همچنین است تصویب در مفهوم بین المللی، یعنی تصدیق یا تأیید نهایی معاهده بین المللی بوسیله طرفین ( معمولاً " توسط رئیس کشور) که بوسیله نمایندگانشان منعقد شده و عموماً " مستلزم تبادل اسناد متضمن تصویب می باشد. <sup>۱</sup> نظر به بررسی تصویب معاهدات در ایران در قسمت دوم این تحقیق، بیان اجمالی سابقه ای از موضوع انعقاد و تصویب موافقت نامه های بین المللی در دین اسلام که بنوبه خود الهام بخش حقوق داخلی ایران است، ضروری می باشد. در تاریخ سیاسی اسلام، صلاحیت انعقاد و تصویب پیمانهایی که بطور دائم با اهل کتاب ( عقد ذمه ) یا بطور موقت (مهادنه) برای متارکه جنگ با دشمنان اسلام بسته می شد، با خود پیامبر (ص) بود. و در مواردی مسئولیت انعقاد معاهدات به فرمانداران نواحی یا مامورینی که به اقصاء نقاط امت اسلامی فرستاده می شدند واگذار می گردید تا اینکه بعداً" به تصویب پیامبر اکرم (ص) برسد.

لازم به ذکر است که علیرغم حقوق جدید که صلاحیت انعقاد و تصویب معاهدات به روسای کشورها یا نمایندگان رسمی آنها تعلق دارد و فقط تابعین مستقیم حقوق بین الملل یعنی کشورها و سازمانهای بین المللی، نه افراد و گروههای غیر نهادی، می توانند طرف معاهده قرار گیرند، در حقوق بین الملل اسلامی، این صلاحیت جنبه حصری نداشته و برای افراد و تجمعات غیر سازمان یافته شناخته شده است. روی این اصل، در نوعی از توافق بنام عقد استیمان، یک فرد عادی مسلمان بالاخرتیار

---

<sup>۱</sup>-- Pary .cliveand others: Encyclopaedic dictionary of international law, oceana publications, New york . 1988, p. 320

می توانست با فرد غیر مسلمان (اجنبی) قراردادی ببندد که در این صورت این توافقات صرفاً با اجازه آن فرد مسلمان رسمیت می یافت و تنفیذ آن با دولت اسلامی بود.<sup>۱</sup> متعاقباً صلاحیت عقد، و تصویب معاهدات در اسلام به جانشینان پیامبر (ص) واگذار شد و به اعتقاد شیعه این صلاحیت به امامان معصوم (ع) و در عصر غیبت به اولی الامر مسلمین (حکومت اسلامی) تفویض شده است.<sup>۲</sup>

حال، از آنجا که اصطلاح تصویب اصولاً به معاهدات بین المللی مرتبط می باشد، بلحاظ قلمرو دقیق بحث تصویب لازم است حدود منطقی و حقوقی دو اصطلاح معاهده و تصویب و سایر اصطلاحات مبتلا به، از طریق تعریف و توضیح آنها مشخص شوند.

در اصطلاح حقوقی، معاهده، به معنای پیمانی است که برای حصول آثار حقوقی معین، میان اعضاء جامعه بین المللی بسته شده باشد. در این صورت در مفهوم موسع، معاهده به معنای توافق یا قراری (accord, agreement) است که بین دو یا چند دولت مستقل و مختار به منظور ایجاد رابطه حقوقی امضاء می شود. یا به عبارت دیگر به هر نوع توافقی که بین تابعین اصلی حقوق بین الملل برقرار شود معاهده گویند. بنابراین اگر یکی از متعاهدین، تابع حقوق بین الملل نباشد، توافق منعقد را

---

<sup>۱</sup> - عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی، جلد سوم، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران ۷۳، ص ۵۰۸ - ۵۰۹

<sup>۲</sup> - ضیایی بیگدلی، محمد رضا؛ اسلام و حقوق بین الملل، شرکت سهامی انتشار، نوبت دوم، تابستان ۶۶، ص ۵۱